نویسنده: محمد رئوف یوسفی نژاد[1]

اهمیت آموزش

توسعه آموزش ،لازمهٔ توسعه صنعتی و اقتصادی است. جوامعی که دست اندرکار توسعه صنعتی و اقتصادی هستند، نیاز مبرمی به توسعه آموزشی دارند.

برنامه‌ریزی آموزشی و پیش‌بینی‌های لازم مبتنی بر واقعیت‌ها و آمارهای محقق، راه وصول به این هدف را آسان می‌سازد. امروزه این موضوع به اثبات رسیده است که آموزش و پرورش وسیلهٔ دست‌یابی به تکنیک بهتر و برتر است. هر گونه اهمال و سهل‌انگاری موجب خسران و زیان جامعه خواهد بود و برداشتن گامهای بلند به سوی پیشرفت ممکن نخواهد شد.

اصولاً یکی از شاخص‌های میزان توسعه جامعه و رشد فرهنگی و اجتماعی و به طریق اولی پیشرفت صنعتی و اقتصادی، میزان اولویتی است که به امر آموزش و پرورش داده می‌شود. این معیار اولویت دادن به توسعه آموزشی در جوامع پیشرفته مدنظر قرار می‌گیرد و درمان دردهای اجتماعی را در توجه به امر مهم آموزش و پرورش و گسترش آموزش عالی جستجو می‌کند.

مصداق این مقوله میزان توجهی است که به استاد و دانشجو می‌شود. فراهم ساختن محیطی که در آن استاد و دانشجو، فارغ از دغدغه خاطر بتوانند به اندیشیدن و تعاطی فکر بپردازند و اندیشه را به دور از هر گونه قید و بند و ذهنیت‌های خاص به کار گیرند، تا به کشف حقایق و زایش افکار نو و بدیع و ناب نایل آیند، امری ضروری است. انسان در طول تاریخ توانسته است از راه تفکر و اندیشیدن، درهای ناگشوده را بگشاید و رازها و قوانین طبیعت را دریابد و قوانین اجتماعی را بررسی و تحلیل کند و نظریه‌های نو را جایگزین افکار کهنه و منسوخ سازد. با آمدن نظریات کپلر و کوپرنیک و همیات بطلیموسی به کنار گذاشته شد. تاریخ علم، گرانبار از اینگونه تحولات فکری انسان است و اگر چنین نبود تکامل میسر نمی‌شد.

بی‌گمان بین دانش موجود و دانش جدید که از راه پژوهشهای تازه حاصل می‌شود، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. حکم می‌توان کرد که ذات زندگی، پویائی است. این ویژگی به خصوص در دانش بشری نمایان می‌شود. در عصر حاضر به برکت آموزش، شاهد دگرگونیها و تازه شدن‌هایی در رشته‌های گوناگون دانش و تکنولوژی هستیم. این پویائی را شاگرد و معلم، مربی و متربی و استاد و دانشجو تحقق می‌بخشند و لذا تصادفی نیست که ما محیط‌های آموزشی را منشاء و جایگاه دگرگونی و تحول میدانیم و استاد و دانشجو را دو عنصر اصلی تکامل تلقی می‌کنیم. اگر آنان سنت شکنی کنند نه از سر خصومت و عناد با جامعه است، بلکه آنان از طریق پژوهش به دیدگاه‌ها و قوانین تازه‌ای دست می‌یابند که با زندگی حال و آینده سازگاری دارند.

ذات علم ایجاب می‌کند که اندیشه‌های قرون و اعصار گذشته را که دیگر کاربردی در زندگی ندارند به یک سو نهیم، زیرا تمسک و توسل به آنها جز به قهقرا رفتن حاصلی نخواهد داشت و موجب می‌شود که انسانها در باورهای کهنه و ذهنیت‌های منسوخ گرفتار آیند و از تکاپو و نو کردن اندیشه و عمل باز بمانند و سد راه ترقی و پیشرفت شوند.

هر دستگاه تعلیم و تربیت دو وظیفه مهم به عهده دارد:

۱- حفظ و نگهداری میراث اصیل و صحیح فرهنگی و اجتماعی گذشته و تاریخی و انتقال آن به نسل جوان.

۲- بازنگری و ارزیابی این میراث ، اصلاحات لازم در آن و جایگزینی عناصر مترقی و پیشرو به جای اندیشه‌ها و عناصر کهنه و سخیف.

اگر در دستگاه تعلیم و تربیت، روش‌های آموزشی سنتی و گذشته را دست نخورده حفظ کنیم و نیازهای تازه و سربرآورده از جامعه کنونی را احساس نکنیم و در برآوردن آنها اهمال کنیم، طبیعی است که از کاروان پیشرفت باز می‌مانیم و فاصله خود را با جهان مترقی، روز به روز افزایش می‌دهیم و نتیجه آن است که نسل آینده را دچار

[1] عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-22]

عقب‌ماندگی می‌سازیم. با شتابی که دانش در جهان به پیش می‌تازد، هر گونه غفلت و ندانم کاری، ما را فرسنگها از کاروان ترقی و پیشرفت دور می‌سازد. توسعه آموزش در سطوح گوناگون آموزشی، انطباق برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی با نیازها و شرایط جدید اجتماعی، رسالتی است که بر عهده دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت قرار دارد و هر گونه انتظار و توقعی برای پیشرفت در زمینه صنعت و تکنولوژی در گرو این فهم می‌باشد و توانائی و سیادت، در دانایی و دانش‌پژوهی است.

اخبار پزشکی

ترجمه: عارف فاتحی

«ترکیب درمانی با اینترفرون آلفا (INF-A) و آمانتادین سولفات، میزان پاسخ ویرولوژیکی را در هپاتیت C بهبود نمی‌بخشد»

تعدادی از محققان به مقایسه تأثیر و ایمنی (efficacy & safety) اینترفون آلفا به تنهایی یا در ترکیب با آمانتادین سولفات در افرادی پرداختند که قبلاً به درمان INF-A به تنهایی پاسخ نداده بودند.

افراد شرکت کننده در مطالعه ۵۵ نفر مبتلا به هپاتیت C مزمن بودند که به درمان معمول پاسخ نداده بودند و متوسط سن آنها ۴۶ سال بود. تمام این افراد اینترفرون آلفا را به صورت هفته‌ای ۳ بار برای ۲۴ هفته دریافت کردند و پس از آن ۳ واحد عضلانی به صورت هفته‌ای ۳ بار برای ۲۴ هفته دیگر نیز دریافت کردند. به علاوه، ۲۶ نفر از این بیماران آمانتادین سولفات دریافت کردند و به ۲۹ نفر دیگر یک داروی Placebo همسان شده به صورت خوراکی و دوبار در روز برای ۴۸ هفته تجویز شد.

به دلیل میزان پاسخ اولیه پایین در هفته ۱۲ (۱۳ مورد از ۵۵ بیمار) و میزان بالای غیر منتظره (۸ مورد از ۱۳ مورد) بعد از کاهش در اینترفرون آلفا در هفته ۲۴، پاسخ ویرولوژیکی درمانی به صورت منفی شدن سطح سرمی HCV-RNA ، تنها در ۵ بیمار بدست آمد.

یکی از این ۵ بیمار اینترفرون آلفا همراه با آمانتایدن سولفات و ۴ مورد دیگر اینترفون آلفا به همراه Placebo دریافت کرده بودند. پاسخ ویرولوژیکی پایدار تنها در دو بیمار مشاهده شد که اینترفرون آلفا و Placebo (دارونما) را بعد از ۲۴ هفته از پیگیری دریافت کرده بودند.

با این وجود، در حالی که درمان مجدد با استفاده از ترکیب درمانی موجود، موجب افزایش پاسخ پایین ویرولوژیکی درمان بوسیله INF-A در افرادی که با داروی قبلی درمان نشده بودند نمی شود اما موجب بهبودی قابل توجهی در کیفیت زندگی بیماران از نظر خستگی و توانایی جسمی می‌شود.

Journal of viral Hepatitis 8 (4). 276-283.

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-22]